

## ایده‌ای نو برای ادای دین به مادران شهدای جاویدالائر



سیده سینا محمدی  
گروه فرهنگی

با توجه به افزایش کمی و کیفی آثار دفاع‌مقدس در سینمای چند سال اخیر و تولید و نمایش آثار موفق‌ی همچون «تنگه ابوقریب» و «موقعیت مهدی» به نظر می‌رسد یک بار دیگر به‌درستی توقع از سینماگرانی که در زائر دفاع‌مقدس فعالیت می‌کنند

بالا رفته و به همین نسبت هم به‌ویژه فیلمسازان جوانی که تجربه اول‌شان را در گونه دفاع‌مقدس جلوی دوربین می‌برند باید بیش از گذشته روی انتخاب مضمون‌های تازه و بدیع، انتخاب قالب مناسب و ساختار روایی متناسب با

مضمون تمرکز و حساسیت داشته باشند. «پرواز ۱۷۵» به‌عنوان تجربه اول یک فیلمساز جوان سعی می‌کند موضوعی نو و بدیع را دستمایه قرار دهد و ضمن این‌که نگاه تازه‌ای به موضوع شهدای غواص دارد، درواقع ادای دینی است به مادران شهدای جاویدالائر که سال‌هاست منتظر بازگشت فرزندان‌شان هستند. اگرچه

فیلمساز در انتخاب مضمون موفق است اما ساختار روایی یک فیلم بلند سینمایی نیازمند ملزوماتی است که ناگزیر باید جدی گرفته شود. مضمونی که برای پرواز ۱۷۵ انتخاب شده به‌دلیل فضا و فرم ویژه‌ای که دارد بیشتر مناسب فیلم کوتاه است. همچنان که پیش نهاد اولیه سوره به فیلمساز هم برای ساختن فیلم کوتاه بوده است. این‌که مادر یکی از شهدای جاویدالائر از طریق یادگاری از او، محل شهادتش را پیدا می‌کند و اصرار برای یافتن بقایای پیکر فرزندش ندارد، موضوع نو و درخور تاملی است که می‌توانست در قالب فیلم کوتاه ضربه‌انگ و تاثیر بیشتری هم داشته باشد؛ اما فیلمساز با آگاهی از همین ویژگی سعی می‌کند با اضافه‌کردن شخصیت‌ها و اتفاقات فرعی، ملزومات ساختن فیلمی بلند براساس این ایده را فراهم کند.

اضافه‌شدن شخصیت حاج‌محمد به‌عنوان یک جانباز اعصاب و روان به متن قصه برای پیشبرد خط روایی اثر ایده مناسبی است. اما پرداختن به موضوع رفتار تبلیغاتی نامزد انتخابات در آسایشگاه جانبازان، نوعی نگاه ژورنالیستی به موضوع سوءاستفاده از حضور در کنار جانبازان است که می‌توانست جایی در متن اثر نداشته باشد.

فیلم برای باوراندن اتفاق ماورایی خود به مخاطب سراغ ساده‌سازی شخصیت‌ها و وقایع پیرامون‌شان رفته و به همین دلیل منطق روایی‌اش تا اندازه‌ای برای مخاطب جامی‌افتد.



پیدا‌شدن انگشتر شهید در شکم یک ماهی، فروخته‌شدنش در بازار و رسیدن آن به دست حاج‌محمد، فرمانده یک گروه غواص که در آسایشگاه اعصاب و روان بستری است، باعث می‌شود که مخاطب با یکی دیگر از شخصیت‌های دفاع‌مقدس آشنا شود.

در اینجا حاج‌محمد فقط یک شخصیت فرعی نیست که صرفا یکی از حلقه‌های اتصال سرنوشت انگشتر شهید را شکل دهد. حضور او پیش از آن‌که نقطه شروع و موتور محرکه‌ای برای آغاز سفر انگشتر به‌سوی مقصد واقعی‌اش باشد، زمینه‌ساز آغاز پروازی است که او معتقد است از آنجا مانده و حالا انگشتر پیش از آن‌که به‌واسطه یک پدر شهید به خانه مادر شهید صاحب انگشتر برسد، نقش دیگری هم ایفا می‌کند.

رسیدن انگشتر به دست یک دلال دارو اگرچه به نوعی یادآور نقد ژورنالیستی موضوع سوءاستفاده نامزد‌های انتخابات از حضور در آسایشگاه جانبازان است، ولی درواقع در خدمت همان ساده‌سازی وقایع پیرامونی یک اتفاق به‌ظاهر ماورایی است و زمانی که انگشتر به دست میوه‌فروشی که پدر شهید است می‌رسد، زمینه مناسبی برای طراحی ایستگاه پایانی سفر انگشتر فراهم می‌شود. حالا دیگر وقتی مادر شهید تصویری از فرزندش را در کنار حوض می‌بیند که انگشتر در آن افتاده، پایان این اتفاق معجزه‌گونه منطق روایی ویژه خودش را پیدا می‌کند و می‌توان آن را در کنار همه اتفاق‌های پیوسته موجود در منطق فیلمنامه پذیرفت.

فیلمساز آگاهانه از رفتن سراغ تلاش مادر شهید برای پیدا‌کردن بقایای پیکر فرزندش در بستر هور خودداری و فقط به حضور مادر در قایق و گفت‌وگو با فرزند شهیدش بسنده می‌کند و از جادو به‌های بصری و روایی آن چشم می‌پوشد. او انگشتر را هم به هور برمی‌گرداند تا هنوز در نقش مادری منتظر با تصویری از فرزند شهیدش روزگار بگذراند.



## روایت مهرداد کورش‌نیا از همکاری با بهروز شعبی

# «آغوش باز» برای خانواده

جذب کند. وقتی صحبت از فیلم‌های عمومی و عامه‌پسند می‌شود، مردم فکر می‌کنند فقط کمدی می‌تواند قدرت جذب داشته باشد، اما به نظر آغوش باز نشان می‌دهد که می‌توانیم با رویکردهای دیگری هم فیلمی بسازیم که توده مردم آن را دوست داشته باشند.

**۱۵ سال‌هاست که جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شود. فکر می‌کنید این جشنواره چه تأثیری روی مسیر سینمای ایران گذاشته و حضور فیلمسازان اول در کنار فیلمسازان حرفه‌ای چقدر روی جریان سینما تأثیرگذار بوده است؟**

حتما وجود جشنواره فیلم فجر تأثیرگذار است؛ کافی است به کشورهای مختلف توسعه‌یافته نگاه کنید تا ببینید تمام آنها جشنواره‌های فیلم دارند و ما نیز در کشورمان به معرفی آثارمان نیاز داریم که هنرمندان را از این راه تشویق و معرفی کنیم. جشنواره فیلم فجر بوده و این جریان معرفی ماست که موجب می‌شود در خارج کشور نیز شناخته شویم.

این‌که چگونه می‌توانیم راندمان این فرآیند را بالا ببریم اهمیت دارد. هر قدر بتوانیم جشنواره‌ها را به سمت صنوف ببریم که در کشورهای پیشرفته هم اتفاق می‌افتد، بهتر است. در کشورهای دیگر فقط دولت هم سرمایه‌گذار و هم سیاست‌گذار نیست؛ درست آن است که دولت حامی، سرمایه‌گذار و ناظر باشد، اما به کمک صنوف اداره شود.

همه با دیدن آغوش باز متوجه می‌شوند قصه‌هایی از این نوع با رویکرد کمدی رمانتیک و محوریت و موضوعیت خانواده که حس رقیق و لطیف انسانی در آن جریان دارد، کمتر داشتیم.

در نهایت، فکر می‌کنم این فیلم از بخش‌های مختلف فنی مثل فیلمبرداری و صداگذاری تا بازی‌ها و کارگردانی دیده خواهد شد.

این فیلم برای خانواده و مردم ساخته شده که بتوانند با مضمون آن همذات‌پنداری کنند. بنابراین، آغوش باز فیلمی نیست که صرفا در جشنواره به آن توجه شود.

برای مثال، من سال ۹۹ فیلم «بیابان» را به‌عنوان نویسنده و کارگردان ساختم و در آن زمان

می‌دانستم رویکرد ما هنری است که قرار است به چند جشنواره برود و در محافل هنری هم دیده شود، اما آغوش باز برای این ساخته شده که هم کیفیت مطلوب داشته باشد و هم توده مردم را

با تعدد شخصیت نوشتیم، نوشتن این کار شوخی به نظر می‌رسد.

**۳۱ فرآیند نوشتن فیلمنامه چقدر زمان برد و آیا در روند کار با سختی و چالش خاصی هم روبه‌رو بودید؟**

با مشکل خاصی روبه‌رو نبودیم؛ چون دوستان در سه ماه اول روی متن کار کردند و بخشی از لحظات و شخصیت‌ها را آماده کرده بودند.

وقتی من به آنها ملحق شدم یک فرآیند چندماهه دیگر نیز طی شد؛ یعنی به جز دو نفری که به عنوان فیلمنامه‌نویس بودیم و همچنین آقای شعبی به عنوان طراح داستان، خودم هم یک گروه نویسندگان خانم طاهرخانی و آرمان اسماعیلی را داشتم. وقتی گروه نویسندگان داشته باشیم، نویسندگی کم‌خطاتر است. همین موجب شد که بتوانیم در شش ماه فیلمنامه‌ای قابل قبول ارائه کنیم.

**۱۵ با توجه به توصیفاتی که خودتان داشتید، می‌توانیم بگوییم که آغوش باز، فیلم خانواده‌است؟**

دقیقا، همین طوار است و در حال حاضر به‌خصوص در تئاتر این شرایط حاکم است که می‌گوییم این اثر مناسب کودکان نیست و آنها را همراه خود نیاورید، اما به نظر فیلمی است که ساخته شده تا همراه با خانواده و بچه‌ها برویم ببینیم؛ چون مضامین عاطفی، اخلاقی و اعتقادی و مرتبط با خانواده در آن مطرح می‌شود.

در این فیلم با خانواده‌ای مدرن، مشهور، پولدار و تحصیل‌کرده روبه‌رو هستیم که دغدغه‌هایی برای خود دارند. ممکن است مسأله‌هایی داشته باشند، اما ما در این فیلم پیشنهاد می‌دهیم که می‌توانیم به فکر

حل‌کردن این مشکلات هم باشیم. **۱۵ آیا قائل به دریافت جایزه در بخش خاصی برای «آغوش باز» در جشنواره فیلم فجر چهل‌ودوم هستید؟**

احتمال دریافت جایزه برای این فیلم هست، چون بازی‌های خوبی در این کار وجود دارد و با قصه جالب و متفاوتی روبه‌رو هستیم.

**۱۵ حضور شما در عرصه تئاتر چقدر به شما کمک کرد که درام‌داستان ساختار خوبی داشته باشد؟**

همان‌طور که می‌دانید من در عرصه تصویر سریال‌های «کرگدن»، «ممنوعه» و «دیو و ماه‌پیشونی» و سه فیلم سینمایی دیگر را دارم. بنابراین یک تجربه مفصل در حوزه سینما داشتم اما آنچه در نویسندگی فیلمنامه از تئاتر به کمک ما می‌آید، چند مؤلفه مشخص است که اولین مؤلفه دیالوگ‌نویسی است؛ چون نویسندگان تئاتر به‌دلیل این‌که نمایشنامه‌های متعدد می‌نویسند و سال‌ها کار می‌کنند، دست‌شان در دیالوگ‌نویسی قوی‌تر است. دومین مؤلفه شخصیت‌پردازی است؛ ما در تئاتر به دلیل کوتاه بودن حجم نمایشنامه و خلق شخصیت‌های متنوع شناخت خوبی نسبت به شخصیت داریم.

علاوه بر این، جز رشته‌هایی است که در دانشگاه آن را درس می‌دهم. من کتابی به نام «نردبان شخصیت» از نشر نیماژ دارم که یکی از بهترین کتاب‌ها برای تفکیک شخصیت‌ها از هم است.

همچنین کسانی که نمایشنامه می‌نویسند، با محدودیت‌های مکانی و زمانی آشنا هستند. به عبارتی، به عنوان نویسنده باید بدانید که چگونه در درام چگالی بیشتری ایجاد کنید که آن را داخل یک بازه زمانی و مکانی مشخص بیاورید؛ چون ما در تئاتر با یک تا دولوکیشن روبه‌رو هستیم.

به دلیل این‌که باید چگالی درام در این لوکیشن بالا ببرد، باید زمان را هم محدود کنیم و به عنوان مثال، به جای این‌که دو ماه زمان ببرد، یک هفته یا ۴۸ ساعت برایش محدودیت در نظر می‌گیریم.

در فیلمنامه «آغوش باز» نیز ما همین کار را کردیم که به یک رویداد ۲۴ ساعته محدود شده و تمام اتفاقات بین سه زوج در این محدوده زمانی اتفاق می‌افتد؛ یعنی روابط بین این سه زوج ما را به یک مفهوم یعنی «کانون خانواده» متصل می‌کند.

تعداد شخصیت‌ها در آغوش باز خیلی زیاد نیست و چون نقش‌های مکمل را بازیگران شناخته شده بازی می‌کنند، این طور به نظر می‌رسد، ما در مجموع هشت شخصیت فعال و پنج شخصیت جانبی مکمل داریم و این برای ما که سریالی

**نسرین بختیاری**  
گروه فرهنگ و هنر

**مهرداد کورش‌نیا، کارگردان، نمایشنامه‌نویس و شاعر تاکنون در آثارى مانند «ممنوعه»، حضور داشته‌است. او امسال نویسندگی فیلم «آغوش باز» بهروز شعبی را به‌عهده داشته که درباره سه زوج است که در فراز و نشیب زندگی به تعریف تازه‌ای از عشق می‌رسند. درواقع موضوع و سوره این فیلم درباره خواننده‌ای است که قرار است کنسرتش برگزار شود اما با چالش‌ها و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. حضور آغوش باز در جشنواره فجر چهل و دوم بهانه‌ای شد که با این نویسنده درباره همکاری با بهروز شعبی در این فیلم صحبت کنیم.**

**۳۱ چه موضوعی موجب شد با بهروز شعبی که تجربه نویسندگی و کارگردانی را همراه با هم دارد، کار کنید؟**

ما از گذشته به‌دلیل این‌که هم صنف هستیم؛ کارهای مختلفی با هم انجام دادیم و با هم آشنا بودیم و سر این کار آقای شعبی طرح اولیه را ارائه کرده و سجاد نجفی بخشی از فیلمنامه را نوشته بود. آقای شعبی در آتارش خطوط مشخصی دارد که بیشتر بیانگر رابطه‌ها و مفاهیم انسانی میان شخصیت‌های فیلم است. به‌عبارتی، اگر آقای شعبی سراغ مسائل سیاسی و مذهبی می‌رود، همیشه این خطوط انسانی برایش اولویت است. من چنین تجربه‌هایی را در حوزه تئاتر زیاد داشتم و ایشان شناخت اولیه‌ای از من داشت و من هم آتارش را می‌شناختم؛ به همین دلیل آقای شعبی به من پیشنهاد داد که اگر موافقم، روی فیلمنامه کار کنیم که بخته‌تر و کامل‌تر باشد و من هم با افتخار پذیرفتم. گاهی این اتفاق می‌افتد که جهان‌بینی و سلاقی نویسنده و کارگردان خیلی از هم فاصله دارد و آنجاست که نویسنده و کارگردان، بخشی از موضوع را تغییر می‌دهد یا دستکاری می‌کند و ما اینجا این مشکل را نداشتیم. چون دیدگاه‌ها و جهان‌بینی مشترک نسبت به درام داریم و این همکاری خیلی شیرین و راحت اتفاق افتاد. خود این فیلم در آثار آقای شعبی کار متفاوتی به حساب می‌آید؛ یعنی ایشان نه‌تا به‌حال فیلم کمدی رمانتیک داشته و نه چنین محوریت موضوعی و ژانری را تا به‌حال تجربه کرده است؛ بنابراین اتفاق جدیدی در کارهای شعبی محسوب می‌شود.

